

ضرورت چارچوب نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی از منظر خبرگان حرفه‌ای و دانشگاهی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۲

رضا غلامی جمکرانی *

هاشم نیکومرام **

فریدون رهنمای رودپشتی ***

چکیده

در بین دانشگاهیان در خصوص اینکه آیا حسابداری آنگلو-آمریکن سیستم مناسبی است که بدون هیچ‌گونه سؤالی توسط سایر فرهنگ‌ها و مردم جهان پذیرفته شود، تردید وجود دارد. حسابداری دانشی اجتماعی و کاربردی است. دانشی که با محیط، ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که در آن به کار گرفته می‌شود، رابطه‌ای ذاتی دارد. از این رو، منطق حکم می‌کند که در به کارگیری مفاهیم نظری و استانداردهای گزارشگری مالی، الزامات و ویژگی‌های محیطی جامعه هدف در نظر گرفته شود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های تفسیری، انتقادی و دلفی ضرورت این چارچوب مرجع را، در جوامع اسلامی تبیین نموده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای گزارشگری مالی ایران، اتفاق نظر دارند که تفاوت اصول اقتصادی-اجتماعی واحد تجاری اسلامی از واحدهای تجاری اقتصاد سرمایه‌داری و عدم کفایت تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان مسلمان و واحدهای تجاری اسلامی توسط گزارشگری مالی مرسوم، ضرورت بازنگری و تدوین چارچوب نظری با رویکردی اسلامی به‌مثابه قانون پایه گزارشگری مالی اسلامی را می‌طلبد تا بتوان زمینه جذب اعتماد سرمایه‌گذاران مسلمان و جامعه اسلامی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

چارچوب نظری گزارشگری مالی، گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی، حسابداری مرسوم

طبقه‌بندی JEL: P26 - G38 - M48

* استادیار گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

Accountghom@gmail.com

** استاد گروه مالی و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)

Nikoomaram@srbiau.ac.ir

*** استاد گروه مالی و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

rahnama.roodposhti@gmail.com

مقدمه

دین جلوی پیشرفت علم را نمی‌گیرد؛ بلکه حتی به پیشرفت علم، کمک هم می‌کند. اما جلوی تعدی علم و تخطی از حدود انسانیت را که ممکن است علم به آن دچار شود، می‌گیرد... شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آنها را ساخته‌اند و به صورت یک علم آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این‌چنینی و مستقل بسازیم (مؤسسه فرهنگی فجر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۸). این سخنان، فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت تحول در علوم انسانی با رویکرد اسلامی می‌باشد که در سال‌های اخیر بسیار بر آن تأکید فرموده‌اند.

در بین دانشگاهیان در خصوص اینکه آیا حسابداری آنگلو-امریکن سیستم مناسبی است که بدون هیچ‌گونه سؤالی توسط سایر فرهنگ‌ها و مردم جهان پذیرفته شود، تردید وجود دارد (Wallace, 1990, p.23). به‌علاوه تحقیقات نشان داده‌اند که بین حسابداری و فرهنگ رابطه وجود دارد (Gray, 1988; Perera, 1989; Al-Hashim and Arpan, 1992)، درحالی‌که هم‌اکنون نظام اقتصاد سرمایه‌داری در جهان و حتی در درون خود با مخالفان و معارضان بسیاری روبروست.

از طرفی، در دهه اخیر، سخن از بروز بحران در حیطه تدوین نظریه حسابداری فراگیر شده است. حسابداری در زمره آن دسته از علوم اجتماعی است که از جهت غایت تعریف می‌شود و نه از باب موضوع. از این‌رو تدوین نظریه در حسابداری مستلزم لحاظ کردن واقعیت‌های این علم و غایت آن به‌طور همزمان است. اعتقاد بر این است که غایت حسابداری جز فراهم آوردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری اقتصادی از یک سو و ایفای مسئولیت پاسخگویی از سوی دیگر نیست (ثقفی و صیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۹). شکوفایی مدنیت مردم‌سالاری در این سال‌ها، به ایفای مسئولیت پاسخگویی اهمیتی دوچندان بخشیده است و بسیاری تأکید بر این نکته دارند که پای اثباتی‌گری یا پوزیتیویسم در ارتباط دادن واقعیت حسابداری با جنبه پاسخگویی غایت آن، لنگ است.

چارچوب نظری گزارشگری مالی مجموعه‌ای از اهداف، اصول و مبانی است که ماهیت، نحوه عمل و حدود گزارشگری مالی را مشخص می‌نماید. این چارچوب مفهومی مرجع، در هر کشوری متناسب با محیط اقتصادی-اجتماعی آن کشور تدوین می‌گردد. این پژوهش تلاش نموده است تا ضرورت این چارچوب مرجع را با رویکرد اسلامی، در جوامع اسلامی بررسی نماید. بر اساس مباحث ذکرشده، سؤال‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. آیا اصول اقتصادی-اجتماعی واحدهای تجاری اسلامی متفاوت از واحدهای تجاری اقتصاد سرمایه‌داری است؟
۲. آیا گزارشگری مالی مرسوم، نیازهای استفاده‌کنندگان مسلمان و واحدهای تجاری اسلامی را تأمین می‌نماید؟

توجه به تحول در علوم انسانی با رویکردی اسلامی، تعارض اهداف و نیازهای استفاده‌کنندگان مسلمان گزارشگری مالی با گزارشگری مالی مرسوم و ناتوانی نظریه‌های اثباتی در تبیین واقعیات اجتماعی اقتصادی حسابداری ما را بر آن داشت تا به تحقیق در باب ضرورت مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکردی اسلامی بپردازیم.

سازمان‌دهی این تحقیق بدین صورت است که پس از این مقدمه، در قسمت دوم ادبیات و پیشینه تحقیقات مرتبط بررسی شده است. پس از آن در قسمت سوم، ضرورت مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی استدلال و تبیین گردیده است. سپس در قسمت چهارم الگوی تحقیق و یافته‌های آن و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده است.

۲. ادبیات و پیشینه تحقیق

۲-۱. ماهیت و هدف چارچوب نظری گزارشگری مالی

گزارشگری مالی محصول نهایی فرآیند حسابداری مالی است. ارائه اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان مختلف، اعم از استفاده‌کنندگان داخلی و استفاده‌کنندگان خارج از واحد

تجاری، در قالب گزارش‌های حسابداری است. آن گروه از گزارش‌های حسابداری که با هدف تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان خارج از واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود، در حیطه عمل گزارشگری مالی^۱ قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری گزارشگری مالی، مجموعه مفاهیمی است که زیربنای تهیه و ارائه گزارشگری مالی را فراهم می‌آورد. هدف اصلی چارچوب نظری کمک به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، برای شناسایی مفاهیمی است که می‌تواند به‌طور مستمر در زمان توسعه و اصلاح استانداردهای گزارشگری مالی استفاده شود. چارچوب نظری همچنین می‌تواند در درک و تفسیر استانداردهای گزارشگری مالی موجود و تعیین خط‌مشی حسابداری، زمانی که هیچ استاندارد یا تفسیر بخصوصی برای یک معامله یا رویداد خاصی، وجود ندارد، ایفای نقش نماید. چارچوب نظری، استاندارد یا تفسیر نیست و الزامات هیچ استاندارد یا تفسیری را باطل نمی‌کند. باین‌حال، چارچوب نظری تأثیر قابل توجهی در توسعه استانداردهای جدید و تجدیدنظر شده خواهد داشت (IASB, 2013, p.18).

از جمله اهداف دیگر چارچوب نظری، کمک به تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی و در برخورد با موضوعاتی که هنوز به‌صورت استاندارد گزارشگری مالی در نیامده‌اند، کمک به حساب‌رسان در شکل‌دهی به قضاوت درباره اینکه آیا صورت‌های مالی مطابق با استانداردهای گزارشگری مالی هستند یا نه و کمک به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در تفسیر اطلاعات موجود در صورت‌های مالی تهیه‌شده مطابق با استانداردهای گزارشگری مالی می‌باشد (IASB, 2013, p.19). بنابراین، چارچوب نظری، علاوه بر هیئت تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، نقش مهمی در کمک به بخش‌های دیگر؛ برای مثال، تهیه‌کنندگان، تأییدکنندگان و استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی دارد.

بخش عمده‌ای از ادبیات حسابداری به مطالعات، پژوهش‌ها و فعالیت‌های اندیشمندان، سازمان‌ها و نهادهای حرفه‌ای استانداردگذاری حسابداری و گزارشگری مالی در تدوین مجموعه اهداف و مبانی نظری مرتبط با ماهیت، دامنه و چگونگی گزارشگری واحدهای اقتصادی بازمی‌گردد. این مجموعه در ادبیات حسابداری

کشورهای مختلف به چارچوب نظری گزارشگری مالی و در کشور ما به مفاهیم نظری گزارشگری مالی معروف است. در ادامه به وضعیت کنونی آن در دنیا اشاره می‌کنیم.

۲-۱-۱. چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا

هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۲ (FASB) پنج ماه پس از آغاز فعالیت‌هایش اعلام کرد که از سلسله‌مراتب کامل نظریه حسابداری مالی، که در گزارش تروبلاد تدوین شد، استفاده می‌کند. یک ماه بعد هیئت از آغاز پروژه نوین و جامعه خود با عنوان چارچوب نظری برای حسابداری و گزارشگری؛ اهداف و ویژگی‌های کیفی اطلاعات خبر داد. در فاصله بین ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵، هیئت استانداردهای حسابداری مالی ۳۰ نشریه در باب پروژه چارچوب نظری‌اش منتشر کرد که در مجموع بالغ بر ۳۰۰۰ صفحه می‌شود. در این میان مهم‌ترین نشریات منتشرشده ۶ بیانیه نظری است که در فاصله زمانی ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ منتشر شد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، هیئت استانداردهای حسابداری مالی در ۲۰۰۰ بیانیه مفاهیم حسابداری مالی ۷ و در ۲۰۱۰ بیانیه مفاهیم حسابداری مالی ۸ (جایگزین بیانیه‌های مفاهیم حسابداری مالی شماره ۱ و ۲) را منتشر کرده است.

جدول ۱. چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی

اهداف حسابداری برای واحدهای تجاری انتفاعی، اهداف این بیانیه به‌طور گسترده بر فهرست اهداف تدوین‌شده در کارگروه تروبلاد تکیه می‌کند.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۱ (نوامبر ۱۹۷۸)
ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۲ (می ۱۹۸۰)
تعاریف عناصر صورت‌های مالی برای واحدهای تجاری انتفاعی، بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۶، جایگزین این بیانیه شده است.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۳ (دسامبر ۱۹۸۰)
اهداف حسابداری برای واحدهای تجاری غیرانتفاعی.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۴ (دسامبر ۱۹۸۰)
این بیانیه در برگزیده مفاهیمی مثل شناسایی، تحقق، و اندازه‌گیری برای واحدهای تجاری انتفاعی است و رهنمودی را درباره این که چه مواردی و چه زمانی باید در صورت‌های مالی آورده شوند.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۵ (دسامبر ۱۹۸۴)

این بیانیه با تعریف عناصر صورت‌های مالی برای تمام واحدهای تجاری جایگزین بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۳ شد.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۶ (دسامبر ۱۹۸۵)
این بیانیه چارچوبی را برای به کارگیری جریان‌های نقدی آتی به‌عنوان مبنایی برای اندازه‌گیری حسابداری با استفاده از روش‌های ارزش فعلی ارائه می‌کند.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۷ (فوریه ۲۰۰۰)
این بیانیه جایگزین بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۱ با عنوان اهداف و بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۲ ویژگی‌های کیفی شد.	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۸ (سپتامبر ۲۰۱۰)

۲-۱-۲. چارچوب نظری هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری

کارگروه استانداردهای بین‌المللی حسابداری تا پیش از ۱۹۸۹ چارچوب نظری‌اش را نپذیرفت. این تأخیر عمدی بود و با این هدف انجام شد که در درجه اول به فدراسیون بین‌المللی حسابداران اجازه تشکیل نهادی برای تدوین استانداردها را بدهد و فرصت حل دو پرسش اساسی را فراهم کند. اولین پرسش این بود که آیا چارچوب نظری باید تجویزی باشد یا توصیفی. دومین پرسش این بود که آیا یک چارچوب واحد می‌تواند با توجه به تفاوت‌های فرهنگی بین بسیاری از کشورهای حاضر در کارگروه استانداردهای بین‌المللی حسابداری سودمند باشد.

جهت‌گیری حسابداری در کشورهایی که قسمتی از امپراتوری قدیم بریتانیا بوده‌اند، مثل ایالات متحده، به سمت سرمایه‌گذاران است. سرمایه در این کشورها از طریق طراحی مناسب بازارهای سرمایه همراه با گزارشگری مالی به تأمین‌کنندگان سرمایه فراهم می‌شود. حسابداری در بسیاری از کشورهای قاره اروپا و مستعمره‌های قدیمی آنها تحت تأثیر ملاحظات مالیاتی قرار گرفته است. سرمایه در این کشورها از طریق بانک‌های بزرگ فراهم می‌شود، بنابراین گزارش‌های مالی با مقاصد عمومی برای ده‌ها هزار سرمایه‌گذار، که سرمایه اندک دارند، تهیه می‌شود.

در سال ۲۰۰۴، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) و تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری ملی ایالات متحده؛ هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB)، پروژه مشترکی برای تجدیدنظر در چارچوب‌های نظری‌شان آغاز کردند. در سال ۲۰۱۰، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) و هیئت استانداردهای

حسابداری مالی (FASB) دو فصل از چارچوب نظری تجدیدنظر شده را منتشر کردند: فصل ۱ با عنوان هدف گزارشگری مالی با مقاصد عمومی، و فصل ۳ با عنوان ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی مفید.

در سال ۲۰۱۰، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی کار بر روی چارچوب نظری مشترک را به منظور تمرکز بر روی پروژه‌های دیگر برنامه‌های خود به حالت تعلیق درآوردند. در سال ۲۰۱۲، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری نظرخواهی عمومی را در دستور کار خود قرار داد. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به نظرخواهی، چارچوب نظری را به‌عنوان پروژه‌ای با اولویت برای هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری شناسایی نمودند. در نتیجه، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری دوباره پروژه چارچوب نظری‌اش را از سرگرفت و هیئت قصد دارد تا سال ۲۰۱۵ نسبت به تهیه چارچوب نظری نهایی اقدام نماید. این پروژه دیگر به‌طور مشترک با هیئت استانداردهای حسابداری مالی اجرا نمی‌شود.

۲-۱-۳. چارچوب نظری گزارشگری مالی در ایران

طبق بند ۴ تبصره ۲ «قانون تشکیل سازمان حسابرسی» (۵ دی ۱۳۶۲) و مواد ۶ و ۷ «اساسنامه سازمان حسابرسی» (۱۷ شهریور ۱۳۶۶)، وظیفه تدوین و تعمیم اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در ایران به سازمان حسابرسی واگذار شده است. در این راستا، سازمان حسابرسی - از اواخر دهه ۱۳۷۰ - «اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی» ایران را وضع می‌کند که برای همه نهادهای گزارشگر و مؤسسات حسابرسی در ایران لازم‌الاجراست.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری یکی از سه کمیته استانداردگذاری سازمان حسابرسی است که وظیفه وضع کردن استانداردهای حسابداری ملی در ایران را بر عهده دارد. سال ۱۳۷۱، این کمیته با نام اولیه «کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری» از سوی هیئت عامل سازمان حسابرسی راه‌اندازی شد تا استانداردهای حسابداری ملی ایران را بر اساس استانداردهای معتبر و با توجه به شرایط محیطی ایران و با هدف ایجاد یکنواختی و برطرف کردن ناسازگاری‌ها وضع کند. سال ۱۳۷۳، پیش‌نویس ۹ بیانیه

«رهنمود حسابداری» و «چارچوب تهیه و ارائه صورت‌های مالی» (نشریه ۹۶ سازمان حسابرسی) از سوی این کمیته برای نظرخواهی عمومی منتشر شد. کمیته با ارج نهادن به این پیشنهادها، پیش‌نویس بیانیه‌ها را تجدیدنظر کرد و در نهایت با تغییرات محتوایی در چارچوب تهیه و ارائه صورت‌های مالی عمده‌تاً بر مبنای پیش‌نویس بیانیه اصول حسابداری صادرشده توسط هیئت استانداردهای حسابداری انگلستان - و تغییر نام آن به «مفاهیم نظری گزارشگری مالی» به این نتیجه رسید این متن که با هدف ایجاد هماهنگی و سازگاری منطقی بین رهنمودهای حسابداری و تعیین حوزه قضاوت در رابطه با روش‌های حسابداری تدوین شده است به صورت پیوست رهنمودهای حسابداری منتشر شود. سال ۱۳۷۵ نیز پیش‌نویس ۵ بیانیه رهنمود حسابداری دیگر (نشریه ۱۰۶ سازمان حسابرسی) از سوی این کمیته برای نظرخواهی عمومی منتشر شد. سرانجام در سال ۱۳۷۸ نخستین مجموعه «رهنمودهای حسابداری» از سوی کمیته منتشر و برای دو سال لازم‌الاجرا شد.

این کمیته بعدها با تصویب هیئت عامل سازمان حسابرسی به‌عنوان فعلی آن یعنی کمیته تدوین استانداردهای حسابداری تغییر نام یافت. نخستین «استانداردهای حسابداری» ملی ایران که توسط این کمیته وضع شد استانداردهای حسابداری ۱ تا ۲۲ بودند که برای صورت‌های مالی که آغاز دوره مالی آن‌ها از ۱ فروردین ۱۳۸۰ به بعد بود لازم‌الاجرا شد. هم‌اکنون چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران تحت عنوان مفاهیم نظری گزارشگری مالی در نشریه ۱۶۰ انتشارات سازمان حسابرسی قابل دسترس می‌باشد.

۲-۲. پیشینه تحقیق

توسعه بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی و رشد این باور که مفروضات زیربنایی سیستم‌های حسابداری مالی غربی با ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی سازگار نیست منجر به توسعه تحقیقات گزارشگری مالی اسلامی گردیده است. گزارشگری مالی اسلامی نقش شایانی در زمینه تحقیقات حسابداری بین‌المللی داشته‌اند، به طوری که به‌جای اینکه تفاوت‌های نحوه عمل در کشورهای مختلف را تشریح کنند، به توسعه روش‌های

حسابداری جدید پرداخته‌اند. در این راستا سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۳ (AAOIFI) در سال ۱۹۹۱ تشکیل شد. سازمان مذکور تا کنون ۲ بیانیه حسابداری، ۲۴ استاندارد حسابداری، ۵ استاندارد حسابرسی، ۷ استاندارد حاکمیت شرکتی، ۲ استاندارد آیین رفتار حرفه‌ای و ۴۵ استاندارد شریعت تدوین نموده است.^۴

۲-۱- مروری بر تحقیقات مشابه در خارج از کشور

ظهور ادبیات علمی حسابداری اسلامی در زبان انگلیسی به گونه‌ای نسبتاً دقیق به سال ۱۹۸۱ بر می‌گردد، در این سال عبدالمجید شکلی از یک نظریه آزمایشی برای شیوه‌های حسابداری بانک‌های اسلامی، که در آن زمان به‌عنوان یک نیروی قابل توجه پدیدار شده بود، را ارائه داده است. سپس توضیح می‌دهد که چگونه اصول شریعت از طریق محدوده‌ای از معاملات بانکی مطابق با شرع، به کار برده می‌شود و ادعای نیاز به رفتارهای خاص حسابداری این معاملات را نتیجه می‌گیرد. وی به‌طور کلی بیان می‌دارد که حسابداری اسلامی لزوماً باید با حسابداری غربی متفاوت باشد. در جدول ۲ خلاصه تحقیقات مربوط در خارج از کشور آمده است.

جدول ۲. خلاصه تحقیقات مشابه در خارج از کشور

محقق	سال	موضوع	روش تحقیق	یافته‌ها و نتایج
گمبلینگ و کریم	(۱۹۹۱)	گزارشگری مالی در اسلام	توصیفی-تحلیلی	- نفی مفهوم محافظه‌کاری - رد بهای تمام‌شده تاریخی
حمید و همکاران	(۱۹۹۳)	اثر احتمالی فرهنگ اسلامی بر حسابداری و یکپارچه‌سازی بین‌المللی حسابداری	توصیفی-تحلیلی	- اسلام دارای پتانسیل لازم برای نفوذ در ساختار، مفاهیم زیربنایی و سازوکارهای حسابداری در جهان اسلام است - ممنوعیت ربا بدان معنی است که بسیاری از روش‌های حسابداری مبتنی بر تنزیل از دیدگاه اسلامی غیرقابل قبول می‌باشد.

محقق	سال	موضوع	روش تحقیق	یافته‌ها و نتایج
خان	(۱۹۹۴)	مفاهیم و قضایای بانکداری اسلامی	توصیفی - تحلیلی	- نیازهای اطلاعاتی یک جامعه اسلامی کاملاً با نیازهای اطلاعاتی جامعه سرمایه‌داری متفاوت است، - شرکت‌ها را باید حقیقتاً ملحقات مالکانشان دانست نه به‌عنوان نهادهای جداگانه‌ای بر اساس صلاحیت خودشان
ملیاه سلیمان	(۱۹۹۷)	آزمون نظریه گزارشگری مالی اسلامی؛ نمونه موردی مالزی	توصیفی - تحلیلی	- اثبات فرضیه عدم کفایت اطلاعات منتشرشده در صورت‌های مالی مرسوم برای پاسخ‌گویی به استفاده‌کنندگان در جوامع اسلامی
شادیه رحمان	(۱۹۹۹)	استانداردهای حسابداری اسلامی	توصیفی - تحلیلی	- تفاوت اقتصاد اسلامی با اقتصاد غربی - نیاز به وضع معیارهای حسابداری منطبق با نیازهای جوامع اسلامی
لوئیس	(۲۰۰۱)	تأثیر اسلام بر حسابداری	توصیفی - تحلیلی	- مفاهیم افشای کامل و پاسخ‌گویی اجتماعی، اجزای لاینفک حسابداری اسلامی
ملیاه سلیمان	(۲۰۰۱)	تأثیر ربا و زکات بر حسابداری اسلامی	توصیفی - تحلیلی	- نظام حسابداری کشورها می‌تواند متأثر از چارچوب سیاسی و قانونی، محیطی و وضعیت اجتماعی باشد - لازم است که گزارش‌های مالی اسلامی مسلمانان را قادر به تعیین دین زکات بسازد و در نهایت به عدالتی اجتماعی - اقتصادی برساند
ناپیر	(۲۰۰۹)	حسابداری اسلامی: مباحث جاری و ریشه‌ها	توصیفی - تحلیلی	- حسابداری اسلامی، ادبیات جدیدی در حسابداری - حسابداری مرسوم در جوامع اسلامی برای ایجاد سازگاری در پذیرش

محقق	سال	موضوع	روش تحقیق	یافته‌ها و نتایج
				استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی همراه با حفظ ارزش‌های ذاتی اسلامی با چالش مواجه می‌گردد

۲-۲-۲. تحقیقات مشابه در داخل کشور

در کشور ما موضوع حسابداری و گزارشگری مالی اسلامی و یا به عبارتی مناسب‌تر، «گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی» از موضوعاتی است که آن‌چنان‌که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. لذا این موضوع برای بسیاری همچنان مبهم است.

ابراهیم نجفی (۱۳۹۱)، در تحقیق خود با عنوان «دکترین حسابداری اسلامی» بیان می‌کند که در نوگرایی اصالت از آن دنیاست، اما در اسلام اصالت از آن آخرت است. لذا جامعه مدرن، صرفاً محاسبه دنیا برای دنیا را دارد، اما جامعه اسلامی، محاسبه دنیا برای آخرت را انجام می‌دهد، زیرا دنیا را مزرعه آخرت می‌داند. دکترین حسابداری اسلامی توأمان دنیوی و اخروی است که در بعد دنیوی، واجد جنبه‌های مادی و معنوی است و در بعد اخروی، دربرگیرنده جنبه‌های اعمال و انفس است. در دکترین حسابداری اسلامی محاسبه دنیا نه صرفاً برای دنیا، که برای عقبی و آخرت صورت می‌گیرد و کشت دنیوی اعمال در آخرت نیز قابل برداشت است. محاسبه این کشت و برداشت، حسابداری اسلامی است.

حجت‌الله صیدی (۱۳۸۷)، در رساله دکتری خود با عنوان «ارائه مدلی برای گزارشگری مالی در بازار سرمایه کشورهای اسلامی» که در دانشگاه علامه طباطبایی انجام گرفته است؛ بیان می‌کند که در نظام اقتصادی مورد نظر اسلام، از یک سو بر شفافیت گزارشگری مالی و همچنین ارتقای ظرفیت پاسخ‌گویی تأکید گردیده و از سوی دیگر، محاسبه سود واقعی و نهایتاً توزیع عادلانه آن از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بدین ترتیب، مدل گزارشگری مورد نظر در این نظام اقتصادی باید به‌گونه‌ای باشد که در عین شفافیت و برخورداری از ویژگی کلیدی افشای کافی، ابزاری کارآمد برای ایفای مسئولیت خطیر پاسخ‌گویی شرکت‌ها تلقی شود و از

قابلیت‌های لازم برای محاسبه سود واقعی و نهایتاً توزیع عادلانه آن بین ذینفعان بنگاه نیز برخوردار باشد.

۳. ضرورت گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی

تحقیقات نشان می‌دهند که حسابداری دانشی اجتماعی و کاربردی است. دانشی که با محیط و ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مناسبات حقوقی جامعه‌ای که در آن به کار گرفته می‌شود، رابطه‌ای ذاتی دارد ((Perera, 1989)، (Hofstede, 1978)، (Hopwood, 1987)). از این رو منطق حکم می‌کند که در به کارگیری مفاهیم نظری و استانداردهای گزارشگری مالی حسابداری، شرایط، الزامات و ویژگی‌های محیطی جامعه هدف در نظر گرفته شود. رواج چنین دیدگاهی در سال‌های اخیر، موجب شده سلسله‌ای از پژوهش‌ها در خصوص تأثیر ارزش‌های حاکم در جوامع به‌ویژه جوامع اسلامی، بر نظام حسابداری و گزارشگری مالی صورت پذیرد. در این بخش، به تبیین ضرورت گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی پرداخته شده است.

۳-۱. علم و دین

سال‌هاست که نزاع علم، که محصول عقل است و دین که ره‌آورد وحی است، اذهان بسیاری را به خود مشغول داشته و نظریه‌های متفاوتی پیرامون نسبت این دو ارائه شده است. نظریه جدایی دو حوزه علم و دین نظریه غالبی است. بر اساس این پندار بر نقش برجسته علم و عقلانیت در عرصه هدایت و مدیریت حیات اجتماعی بشر تأکید می‌شود و از نقش دین و معرفت دینی در این عرصه‌ها کاسته می‌شود. نظریه رقیب، تعارض و تقابل علم و دین را ناصواب دانسته و تأکید آن این است که عقل -در معنای وسیع آن، که علم یکی از نمودهای آن است- همگام با نقل -کتاب و سنت- تأمین‌کننده معرفت دینی است و چتر دین بر سر این دو منبع گسترده است (واعظی، ۱۳۸۷، ص ۴).

آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۶)، معتقدند که علم ذاتاً با دین تعارضی ندارد و با آن آشتی‌پذیر است. چنانکه فلسفه علم ذاتاً همین‌طور است؛ اما فلسفه الحادی و جهان‌بینی

ملحدانه اساساً برای نفی دین آمده و با آن سر ناسازگاری دارد. مبانی اصول این قسم هستی‌شناسی و جهان‌بینی الحادی است و طبعاً چنین نگرشی، فلسفه علم و علم را نیز ابزار الحاد خود قرار می‌دهد و از او می‌خواهد همه هستی را از منظر تجربه حسی ببیند و آن را بر اساس دانش تجربی تبیین و تفسیر کند. آن جهان‌بینی و فلسفه الحادی، مراد فلسفه علم الحادی است و این‌چنین فلسفه مضاف الحادی قهراً صبغه الحاد به علم می‌بخشد، حال آنکه علوم طبیعی و تجربی به طبع و ذات خویش هیچ اقتضایی نسبت به الحاد ندارند و از رهگذر تحریف و خروج از محدوده‌های خویش، دست‌مایه کفر، الحاد و ماده‌پرستی قرار می‌گیرند.

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست و نباید تصور کرد علم اسلامی، یعنی فیزیک و شیمی اسلامی، تافته‌ای جدا بافته از علوم طبیعی رایج است. منشأ چنین گمانی آن است که نسبت به علم دینی به علم مرسوم را نسبت فرش دست‌بافت با فرش ماشینی بدانیم و تصور کنیم که علم دینی، محتوایی کاملاً متفاوت از علم مرسوم در اختیار می‌گذارد و چون مشاهده می‌کنیم که از علم دینی، فیزیک و شیمی متفاوت به دست نمی‌آید، به این تصور کشانده می‌شویم که از اساس منکر امکان اسلامی کردن علوم گردیم.

ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و بر طرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به‌ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیردینی و اسلامی و غیراسلامی تقسیم کنیم. بر این اساس، علم فیزیک در شرایطی که مفید یقین یا طمأنینه عقلائی است و در مرز فرضیه و وهم و گمان به سر نمی‌برد، یقیناً اسلامی است، هر چند شخص فیزیکدان، ملحد یا شاکر باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

نتیجه آنکه تعارض علم و دین، با پذیرش حضور عقل در هندسه معرفت دینی و نیز عقل را در کنار نقل منبع معرفت‌شناختی دین دانستن، بر طرف می‌شود. مقوله دینی و اسلامی کردن علوم، نیازمند تغییر دادن برخی نگرش‌های بنیادین است. در واقع

جهانبینی و فلسفه نهفته در پس تحقیق علمی باید اصلاح و بازسازی شود تا علم دینی حاصل آید. بی‌آنکه این تغییر نگرش فلسفی موجب تغییر در محتوای علم مرسوم و روش‌شناسی وصول به آن باشد. به عبارتی دیگر دینی‌سازی با تغییر در محتوا و روش جاری علوم تجربی حاصل نمی‌آید بلکه معطوف به تغییر نگرش به فلسفه علم و جهانبینی فلسفی و نگاه به موضوع علم به‌عنوان خلقت الهی است.

۲-۳. جهانبینی‌ها، ارزش‌ها و گزارشگری مالی

جهانبینی یک طرز فکر و تلقی ضمنی یا صریح مفروضاتی درباره خاستگاه جهان طبیعت و هدف زندگی بشریت است. جهانبینی، نوع رفتار و برخورد طبیعی بشر با سوژه‌ها را کنترل می‌کند. تفاوت در جهانبینی می‌تواند منجر به تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی و به‌نوبه‌خود در حسابداری شود (Chapra, 1992). ارزش^۵ عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است؛ دارند. ارزش معرفی می‌کند که چه چیزی مهم است. هنجار^۶، به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

همچون سایر جوامع، جامعه غرب از یک سری از ارزش‌های واحد و یکپارچه تشکیل نشده است بلکه از ترکیب و اتصال چندین مکتب ارزشی به وجود آمده است. برای مثال فردگرایی^۷ و ارجحیت فرهنگ مشتری‌مداری به‌صورت برجسته در آمریکا، مشاهده می‌شود. در آلمان مدل سرمایه‌گرایی راین^۸ و در سایر کشورهای اروپایی، حداکثرسازی ثروت ذینفعان به‌عنوان اهداف اصلی به‌شمار می‌رود. باین‌حال مواردی از اعتقادات بنیادین مانند ماده‌گرایی^۹، مردم‌سالاری^{۱۰}، منفعت‌گرایی^{۱۱} و دنیاگرایی^{۱۲} که در تفکر و ارزش‌های غرب رسوخ کرده است را می‌توان به‌عنوان ریشه اصلی تفکر مدرن در غرب دانست (Haralambos and Holborn, 1995).

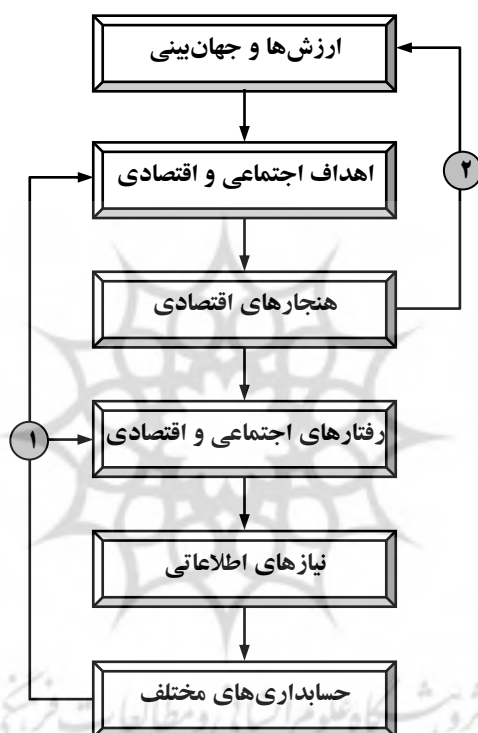
در واقع بسیاری از هنجارها را می‌توان از طریق انعکاس ارزش‌ها مشاهده نمود، و تنوع هنجارها می‌تواند حاکی از ارزش‌های منفرد باشد. هنجارها می‌توانند به‌عنوان یک قانون (مانند قوانین امنیتی) نوشته شوند یا می‌توانند ضمانت اجرای این قانون، (به‌صورت غیررسمی) را در بر داشته باشند. ارزش‌های غربی و سیستم اقتصادی

کاپیتالیزم منتج شده از آن، منجر به هنجارهایی چون برتری سود و ثروت، تلاش افراد برای نفع شخصی، حریم و قوانین نامحدود برای اموال خصوصی و مصرف‌گرایی از طریق تلاش‌های بازار برای ایجاد تقاضا می‌گردند. انباشت ثروت نتیجه هنجارهای منتج شده از ارزش‌های مادی‌گرایی، فردگرایی و منفعت‌گرایی است. حداکثر نمودن سود و ثروت هدف نخستین است. فرض می‌شود تلاش افراد برای دستیابی به ثروت مادی، منجر به رفاه اجتماعی بهینه می‌گردد.

رابطه میان جهان‌بینی، اهداف اقتصادی، ارزش‌ها و حسابداری، بر این مبناست، که ارزش‌ها و جهان‌بینی نخستین جامعه (که ناشی از مذهب یا جنبش‌های فکری است) اهداف اجتماعی اقتصادی جامعه را تعیین می‌نمایند. جامعه، سپس به ترتیب، این قوانین و هنجارهای اقتصادی را در یک تلاش برای دستیابی به اهداف اجتماعی - اقتصادی به‌کار می‌گیرد. زمانی که افراد برای دستیابی به این اهداف اجتماعی - اقتصادی در مبادله و تعامل با یکدیگرند، مجموعه‌ای از احتیاجات اطلاعاتی برای استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی مورد نیاز است، زیرا ممکن است در فرآیند سازمان، میان مالکان و مدیران فاصله وجود داشته باشد. حسابداری که گزارشگری مالی محصول نهایی آن می‌باشد، نقش رهبری را در تهیه این اطلاعات ایفا می‌نماید. معاملات انفرادی که به‌منظور کنترل و هدایت سازمان صورت می‌گیرد (مانند خرید، فروش سهام، یا اخراج مدیران) بر اساس این اطلاعات صورت می‌گیرد تا بتوانند به اهداف اجتماعی و اقتصادی آنها هماهنگ با ارزش‌ها و جهان‌بینی صاحبان آن، برسند (مسیر نخست در نمودار ۱). به هر حال، اگر کسی از سیستم حسابداری خاصی استفاده نماید که با ارزش‌های جامعه میزبان (جامعه‌ای که حسابداری در آن اجرا می‌گردد) بیگانه و غریب باشد، این امکان وجود دارد که، این اطلاعات، موجب شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی غلطی گردد و در نتیجه، ممکن است به اهداف اجتماعی و اقتصادی متفاوتی منجر گردد که باعث تغییر در قوانین و هنجارهای اقتصادی، در یک خط و مسیر متفاوتی از اهداف گردد (Hameed, 2000)؛ (مسیر دوم در نمودار ۱).

میلر و اولری^{۱۳} (۱۹۸۷) معتقدند مفهوم اندازه‌گیری واحد پولی، و فرض واحد تجاری، محیط و جامعه را متأثر از آثار و آسیب‌ها می‌سازد. این بدان معنی است که

حسابداری، خود را در پشت گزاره‌هایی عینی، از طریق اندازه‌گیری نکردن بعضی از ارزش‌ها، پنهان نموده است. همان‌گونه که واقعیت را از طریق این ارتباط پدید می‌آورد، این ارتباط موجب پیامدهای رفتاری خاصی می‌شود که در خط جهان‌بینی منفعت‌گرایی کاپیتالیست‌هاست. این موارد شامل رقابت و تسلط می‌گردد.



نمودار ۱. رابطه بین حسابداری و اجتماع

حسابداری مرسوم، محصول مدرنیته و مبتنی بر ارزش‌های آن است. نتیجه آن است که این اهداف، ویژگی‌ها و پیامدهای حسابداری مرسوم، ارزش‌ها و هنجارهای مدرنیته را منعکس می‌نماید. جهان‌بینی مادی و مفاهیم مرتبط با ماتریالیسم، مردم‌سالاری، ایندیویژوالیسم، یوتیلیتاریانیسم، لیبرالیسم و سکولاریسم منجر به هنجارهای اقتصادی خاصی می‌شوند؛ برای مثال، جهان‌بینی مادی و فردگرایی، موجب برتری سود-ثروت و حفظ احترام به حریم اموال خصوصی شده، تا حدی که شخص

می‌تواند به هر شیوه‌ای، کل این اموال را از بین ببرد. ارزش‌های مردم سالاری و منفعت‌گرایی، موجب حمایت از مصرف‌کننده و رقابت بازارهای آزاد بدون دخالت دولت، به‌عنوان یک هنجار اقتصادی مقدس می‌شود. به‌علاوه، سکولاریسم و تجربه‌گرایی، در نتیجه فقدان هرگونه هنجارهای اخلاقی مقدس و مذهبی در جامعه به وجود می‌آید (به‌جز عقایدی که برگرفته از عدالت طبیعی هستند). این هنجارهای اقتصادی اهداف و ماهیت حسابداری مرسوم را منعکس می‌نمایند.

در جهان‌بینی اسلامی نوعی نگرش دو جانبه و توأمان به دنیا و آخرت است. آخرت نیز همانند دنیای مادی واقعیتی انکارناپذیر دارد. از نظر مسلمانان، دنیا واقعیتی گذرا، ناپایدار و محدود دارد. خداوند آفریننده آسمان‌ها و زمین، و هر چه در آن‌هاست.^{۱۴} انسان خلیفه‌الله در زمین است،^{۱۵} و تمام موجودات (اعم از انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و عالم ماده و طبیعت) امانتی در دست اوست، که مورد محاسبه قرار می‌گیرند. لذا امکانات و سرمایه‌های مادی و معنوی، باید در مسیر هدایت الهی مورد استفاده قرار گیرند. هدف از زندگی دنیوی در حقیقت آزمایش آدمی و امکان تکامل و سیر او به سمت حیات ابدی در آخرت است. سیاست، اقتصاد، هنر، علم و هر تلاش انسانی باید متضمن کسب سعادت در جهان آخرت باشد و حسابداری نیز از این مقوله مستثنی نیست. فلسفه نظام مالی اقتصاد اسلامی تنها به ارتباط عوامل تولید و رفتار اقتصادی محدود نمی‌شود. درحالی‌که سیستم‌های مالی کلاسیک بر جنبه‌های اقتصادی و مالی تمرکز دارند، نظام مالی اسلامی بر روی مسائل اخلاقی، رفتاری، اجتماعی و مذهبی نیز تأکید مشابهی دارد تا جامعه از برابری و وضعیت مناسب در سطح عموم برخوردار شود.

جهان‌بینی، می‌تواند بر روی ارزش‌ها اثر بگذارد (که آن هم بر روی هنجارها مؤثر است) و این عینیت‌ها و تغییر در آنها، برای حسابداری، دارای کاربردهایی است. لذا ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های گوناگون منجر به حسابداری‌های مختلفی می‌شود. در نتیجه، سازمان‌های اقتصادی در جامعه اسلامی، که تحت جهان‌بینی اسلامی فعالیت می‌نمایند، به نوع متفاوتی از حسابداری نیاز دارند.

۳-۳. اصول و مبانی متفاوت نظام مالی اقتصاد اسلامی

گزارشگری مالی، محصول نهایی فرایند حسابداری مالی، منعکس‌کننده حساب‌دهی واحد تجاری در قبال منابع آن است که بنا بر الزامات قانونی، قراردادی یا عرفی و به‌منظور رفع نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان انجام و ارائه می‌شود. قوانین اسلام در مورد تجارت به فقه معاملات معروف است. اکثر این قوانین، موضوعات مربوط به عدالت اجتماعی، انصاف، برابری و همچنین معقول بودن معاملات مالی را مورد توجه قرار می‌دهند (کمالی، ۲۰۰۰). به‌طور کلی اصول نظام مالی اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از:^{۱۶}

اصل اول حرام بودن ربا: ربا مفهوم و یا عملی است که در قرآن کریم به‌صراحت تحریم شده است. در اصطلاح فقها معمولاً ربا چنین تعریف شده است: معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً هم‌جنس باشند، ثانیاً با کیل یا وزن اندازه‌گیری شوند یا قرض دادن به‌شرط زیاده. قید معاوضه ذکر شده تا شامل همه معاملات و معاوضات شود و اعم از بیع باشد (جواهرالکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۶). موضوع ربا بین محققان و اندیشمندان اسلامی بسیار مورد بحث قرار گرفته است. قرآن کریم نیز صراحتاً حرمت ربا را اعلام کرده است «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵). مهم‌ترین و بنیادی‌ترین انتقاد اسلام به بهره‌تضمین‌شده از دید تعریف مبادلات شرعی و قانونی است. لذا مبادله پول به پول زمانی شرعی و قانونی است که بدون هیچ مبلغ اضافی صورت گیرد. در قانون اسلام درآمد زمانی معتبر است که حاصل کار، معامله، ارت، هبه یا هدیه باشد. بهره‌تضمین‌شده پول قرض‌شده نشان‌دهنده خلق غیرموجه حق مالی است و این حق چون خارج از حیطه مباح و مجاز اسلامی است، مشروع نمی‌باشد.

اصل دوم پول به‌عنوان سرمایه بالقوه: اقتصاددانان اسلامی پول را به‌عنوان سرمایه بالقوه مدنظر قرار می‌دهند و پول زمانی به سرمایه واقعی تبدیل می‌شود که سرمایه‌گذاری شود و وارد جریان اقتصادی شود. انباشت پول و ثابت نگه‌داشتن آن و خارج کردن آن از جریان اقتصادی قابل قبول نیست.

شهید مطهری (۱۳۷۴) بیان می‌دارد که خود پول دارای ارزش واقعی نیست و اگر ارزش واقعی می‌داشت نمی‌توانست نقش پولی خود را بازی کند و مانند سایر کالاها

قیمتش نوسان می‌یافت. ارزش پول در مبادلات به دست می‌آید درحالی‌که کالاها دارای ارزش واقعی هستند. ارزش پول از اعتبار آن نشئت می‌گیرد. حقیقت این است که هر چند به کالاهای حقیقی و پول اعتباری هر دو عنوان مالیت اطلاق می‌گردد و می‌توان پول اعتباری را مال بنامیم لکن کالاها اموال حقیقی هستند درحالی‌که پول مالیت اعتباری دارد (صالح‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۳). پولی که به‌موجب یکی از عقود با یکی دیگر از عوامل تولید از نظر حقوقی ترکیب شود تبدیل به سرمایه بالفعل می‌شود؛ مثلاً شخصی بر اساس عقد مضاربه به دیگری پول می‌دهد تا او کار کند و سهم معینی از سود به او بپردازد. به‌این‌ترتیب به‌موجب عقد مضاربه پول با عامل تولید یعنی کار ترکیب شد و به سرمایه بالفعل تبدیل گشت. لذا روشن می‌شود که منظور از ترکیب حقوقی این است که مشارکت پول در ایجاد سرمایه بالفعل از طریق یکی از قراردادهای حقوقی مانند مضاربه، مزارعه و... صورت گیرد.

اصل سوم ممنوعیت برخی از انواع بورس‌بازی: امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرمایند: «إن الغرر عمل لایؤمن معه الضرر»؛ یعنی غرر کاری است که از زیان ایمن نباشد و طبق بیان حضرت رسول (ص) «نهی‌النبی عن الغرر»؛ یعنی پیامبر مردم را از معاملات غرری نهی کرده است. لذا معامله غرری در اسلام باطل می‌باشد. بورس‌بازی از نظر اصطلاحی به خطر انداختن کالا یا سرمایه در مواجهه با یک عدم اطمینان است که معمولاً تصمیم‌گیری در شرایط حدس و گمان صورت می‌گیرد در این اصطلاح بورس‌بازی نوعی فعالیت اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس‌بازان کسب سود به هر طریق ممکن است. واضح است که درجه‌ای از بورس‌بازی در تمامی تصمیمات انسانی وارد می‌شود. در این صورت هر تصمیم در شرایط ریسکی بورس‌بازی محض نبوده و شریعت اسلامی با آن مخالف نیست. بورس‌باز دارایی را بدون قصد نگهداری با پذیرش ریسک خریداری کرده و به دنبال کسب سود از مابه‌التفاوت قیمت در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌باشد بر اساس پذیرش درجه و نوع ریسک و اعمالی که جهت کسب سود انجام می‌شود می‌توان میان بورس‌بازی اعتراض‌آمیز و غیر اعتراض‌آمیز تمییز قائل شد. منظور از بورس‌بازی اعتراض‌آمیز نوعی از بورس‌بازی است که با شریعت اسلامی سازگار

نیست و بورس‌بازی غیراعتراض‌آمیز آن نوعی از بورس‌بازی است که با شریعت اسلامی مطابقت دارد. بورس‌بازی اعتراض‌آمیز جنبه‌های دست‌کاری قیمت و سوق دادن قیمت به سوی قیمت ناعادلانه، جهل در معاملات، غرر در معاملات، تبانی در معاملات، اشاعه کذب و ارائه اطلاعات غلط و گمراه‌کننده، انجام معاملات صوری و دستکاری ناعادلانه بازار و معاملات مبتنی بر اطلاعات داخلی در صورتی که موجب غبن طرف مقابل شود، را شامل می‌شود (صالح‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

اصل چهارم ایفای تعهدات: در مورد ایفای تعهدات نص صریح قرآنی وجود دارد و خداوند متعال امر به ایفای تعهدات و عقود نموده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «چون با خدا، رسول و بندگان خدا عهد بستید به آن عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید نشکنید چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته‌اید و خدا به هر چه می‌کنید، آگاه است» (نحل: ۹۱). همچنین در آیه یک سوره مائده نیز خداوند امر به وفای عهد و پیمان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ یعنی ای اهل ایمان هر عهد که با خدا و خلق بستید به عهد و پیمان خود وفا کنید. افراد می‌توانند با یکدیگر تعهدات مختلفی را منعقد نمایند، لذا هر قراردادی که مخالف شرع و قانون اسلامی نباشد معتبر می‌باشد و برای طرفین تعهد و قائم‌مقام آنها و در برخی از موارد درباره اشخاص ثالث لازم‌الاجرا می‌باشد. اسلام نسبت به اجرای کامل تعهدات و افشای اطلاعات تأکید می‌ورزد. این ویژگی باعث می‌شود که خطر اطلاعات نادرست و زیان‌های اخلاقی از بین برود.

اصل پنجم ممنوعیت فعالیت‌های نامشروع: در آیه ۲۹ سوره نساء آمده است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»؛ بر اساس این آیه، نتیجه قهری اکل مال به باطل هلاکت جامعه انسانی یا هلاکت گروهی به دست گروهی دیگر است. بعضی از فعالیت‌ها از نظر اسلام جزء مکاسب محرمه می‌باشند و بعضی دیگر حلال شمرده شده و مورد تصویب دین مبین اسلام قرار گرفته‌اند. واحدهای تجاری باید در فعالیت‌هایی شرکت کنند که از نظر اسلام مجاز شمرده شده است. همچنین در آیه ۷۱ سوره آل عمران آمده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ یعنی ای اهل کتاب چرا آگاهانه

حق را با باطل مخلوط می‌کنید و چرا حق را کتمان می‌کنید، درحالی‌که می‌دانید. از این آیات چنین استنباط می‌شود که امر باطل و بی‌اساس در مسائل حقوقی و در مکتب اقتصادی اسلام ارزشی ندارد و فعالیت‌های باطل موجب تعلق منفعت و درآمد برای فرد یا سازمان اقتصادی نمی‌شود (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). مهم‌ترین فعالیت‌های مبتنی بر اکل مال به باطل از دیدگاه اسلام عبارت است از: درآمدهای ناشی از مکاسب محرمة نظیر ربا، رشوه و....

به‌طور کلی اصول و مبانی نظام مالی اقتصاد اسلامی متفاوت از نظام مالی اقتصاد مدرن است و از آنجاکه گزارشگری مالی بنا بر الزامات قانونی، قراردادی یا عرفی ایفای نقش می‌کند؛ تفاوت در اصول و مبانی گزارشگری مالی مرتبط با آن را ایجاب می‌نماید تا بتوان از ایفای نقش مؤثر نظام گزارشگری مالی در نظام مالی اقتصاد اسلامی اطمینان حاصل نمود.

۳-۴- هنجار نیاز نظریه‌های حسابداری

محققان حسابداری در فرآیند تحقیق در حسابداری با تعداد زیادی نظریه حسابداری روبه‌رو می‌شوند. بیان چنین وضعیتی بدان معناست که در مورد حسابداری مالی نظریه قابل قبول همگان وجود ندارد. همانند سایر رشته‌های علمی، برای تدوین نظریه حسابداری، وجود یک روش‌شناسی مناسب ضرورت دارد که در این راستا، تفاوتی که از نظر ارزش‌ها، روش‌ها و نظریه‌ها بین روش‌های اجرایی حسابداری و تحقیقات حسابداری وجود دارد، موجب استفاده از دو روش‌شناسی برای تدوین نظریه شده است: روش‌شناسی اثباتی^{۱۷} و روش‌شناسی هنجاری^{۱۸} (ثقفی، ۱۳۸۲).

از طرف دیگر، باید توجه داشت که علم حسابداری را نه بر اساس موضوع، بلکه از جهت غایت تعریف می‌کنند؛ به عبارت دیگر، دیدگاه امیل دورکیم،^{۱۹} نظریه پرداز اجتماعی فرانسوی مبنی بر اینکه «علم باید موضوع داشته باشد و آن موضوع، هم وجود مستقل خارجی داشته و هم از شخص عالم، استقلال داشته باشد»، در مورد علم حسابداری صادق نیست بلکه حسابداری را باید با معیار دیگری تعریف کرد. «معیار دیگری که بعضی از علما برای تعریف علم عرضه کرده‌اند، تعریف به غایت است.

یعنی بگوییم: مجموعه مسائلی که رو به غایت واحدی دارند و منظور واحدی را برآورد می‌کنند» (سروش ۱۳۷۴).

حال، غایت حسابداری چیست؟ آیا غایت حسابداری، تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری است؟ IASB (۲۰۱۳)، به این پرسش پاسخی مثبت داده است. اما این، همه غایت حسابداری نیست. تا سال‌ها پیش هدف حسابداری تهیه و ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری تلقی می‌شد، اما هنگامی که یوجی ایجیری^{۲۰} (۱۹۸۳)، در مقاله معروف خود در دهه هشتاد میلادی به «چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی»، اشاره کرد، دریچه دیگری بر روی تفکر در باب غایت حسابداری گشوده شد. در مقاله یادشده نویسنده اعلام می‌کند که چارچوب نظری حسابداری می‌تواند بر مبنای تصمیم‌گیری و یا بر مبنای پاسخگویی تدوین شود و انتخاب هریک از چارچوب‌های نظری مزبور، می‌تواند آثار متفاوتی را بر حسابداری به‌جای گذارد.

ارتباط پیچیده‌ای میان واقعیت حسابداری و غایت آن وجود دارد و هیچ‌گاه نمی‌توان واقعیت حسابداری را بدون توجه به غایت آن مورد مذاقه قرار داد. به‌علاوه، به نظر می‌رسد که در هرکدام از روش‌شناسی‌های یادشده، تنها به یکی از این دو مقوله توجه شده و یا دست کم، یکی از آنها برجسته‌تر از دیگری مورد توجه قرار گرفته و بدین ترتیب، مغفول ماندن یکی از این دو، زمینه‌های بروز بحران را در حسابداری فراهم آورده است. در مجموعه علوم اجتماعی - که حسابداری زیرمجموعه‌ای از آن است - قوام یک رشته علمی به پژوهش‌های انجام‌یافته و نظریه‌های تدوین‌شده در آن است و چنانچه به هر سببی، کفایت، دقت و یا استواری این پایه‌ها با تردید روبرو باشد سخن از فرو افتادن آن رشته از دانش در ورطه بحران، ناصواب تلقی نخواهد شد.

متسیچ^{۲۱} (۱۹۹۵)، در کتاب «نقد حسابداری»^{۲۲}، با اشاره به نوشته‌های بلکویی و دیگران، بحران موجود در حسابداری را در سه جزء طبقه‌بندی و بررسی می‌کند:

الف - بحران قانونی و اجتماعی، ب - بحران اخلاقی و روحی و ج - بحران دانشگاهی و مراجع علمی.

جزء اول، به بحرانی اشاره دارد که از منظر حسابداری، در اداره شرکت‌ها و مسائل مربوط به آن، از قبیل نظریه نمایندگی، استقلال حسابرس، فرآیند قراردادها و از همه

مهمتر، ایفای مسئولیت پاسخگویی نهفته است. بحران اخلاقی، مشکلات ظاهر شده در روابط تجاری دهه‌های اخیر، کنار نهادن ارزش‌های حرفه‌ای در روابط اقتصادی و جای خالی «اخلاق» در تفکر حسابداری را مورد اشاره قرار می‌دهد و جزء سوم، نواقص اساسی موجود در پژوهش‌های حرفه‌ای و دانشگاهی را مطرح نظر دارد که مهمترین آنها، عدم توجه به روح مسئولیت پاسخگویی در تحقیقات حسابداری و تقدم بخشیدن بر مفاهیمی مانند اندازه‌گیری، ارزش‌گذاری و سودمندی اطلاعات در تصمیم‌گیری، نسبت به مفهوم حیاتی و اجتماعی پاسخگویی است.

متسیچ با تأکید بر دگرگونی اساسی نقش تاریخی حسابداری، قبل از هرچیز بر تلقی علم حسابداری به‌عنوان دانشی کاربردی و نه علم محض پای فشرده و سپس نتیجه‌گیری می‌کند که چون باید در علوم کاربردی به ارزش‌ها و هنجارها توجه داشت، تقویت جنبه پاسخگویی در حسابداری در گرو تقویت زمینه اخلاقی این رشته از دانش است. وی نگاه به حسابداری بدون زمینه اخلاقی را به منزله جداسازی ریشه از درخت تلقی کرده است.

متسیچ با وجود تمام تلاش‌های ارزشمند خود، تنها اندیشمندی نیست که رجوع به «هنجار» را تجویز می‌کند و نیز، تنها منتقدی نیست که سستی پای چوبین پوزیتیویسم را در روش‌شناسی حسابداری به نمایش می‌گذارد. کریستینسن^{۲۳} (۱۹۸۳) بیان می‌دارد شخصیت حسابداری عبارت است از یک مؤسسه تجاری یا واحدهای اقتصادی دیگری که دارای یک سیستم حفظ و نگهداری حساب است. او مقایسه‌ای از علوم فیزیکی با حسابداری و علوم سیاسی دارد و می‌گوید نظریه شیمی، شامل اصطلاحات درباره رفتار اجزاء شیمیایی مثل مولکول و اتم است نه درباره رفتار شیمی‌دان‌ها. در شیمی واکنش شیمیایی بدون وجود شیمی‌دان‌ها به وجود می‌آید و هرکسی می‌تواند این واکنش‌ها را بدون مطالعه شیمی‌دان‌ها بررسی کند، اما ممکن نیست که حسابداری، بدون وجود حسابداران، مدیران یا ایجادکنندگان ارقام به وجود آید و امکان ندارد که علم سیاست را بدون وجود سیاست‌مداران مطالعه کنیم. حسابداری و سیاست از علوم اجتماعی هستند. نظریه حسابداری که در جستجوی تفسیر و پیش‌بینی حسابداری است نمی‌تواند بین تحقیق حسابداری از مطالعه مردم جدایی اندازد. نظریه حسابداری در مطالعه

حسابداری، نیازمند محققان در درک انگیزه عملکرد حسابداری است. حال که چنین است، چگونه می‌توان تأثیر محقق یا نظریه‌پرداز حسابداری را بر تحقیق در حوزه حسابداری به‌منظور کشف واقعیت‌ها نادیده انگاشت؟ آیا تحقیقات اثباتی حسابداری در پی تلقی حسابداری به‌عنوان علم محض، به دنبال انعکاس صرف «آنچه هست» نبودند؟ نظریه‌های اثباتی حسابداری، متأثر از دیدگاه اثباتی‌گری یا پوزیتیویسم، با الهام از تحقیقات اثباتی انجام‌شده در حوزه علم اقتصاد، در تلاش برای انعکاس «آنچه هست» و پرهیز از هرگونه قضاوت ارزشی نسبت به این‌که «چگونه باید باشد»، از دهه ۱۹۷۰ میلادی رونق یافت تا شاید حسابداری را به ویژگی‌های یک علم محض نزدیک‌تر سازد. باوجود تلاش‌های فراوانی که از سوی اندیشمندان و پژوهشگرانی مانند واتز^{۲۴}، زیمرمن^{۲۵}، براون^{۲۶} و دیگران انجام پذیرفت، رویکرد اثباتی‌گری به علت ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله بها ندادن به نظریه به مفهوم فلسفی آن و تکیه بیش‌ازحد بر مشاهده و استقراء، نتوانسته است توفیق چندانی در حسابداری داشته باشد و باوجود آن‌که سال‌ها از کاربرد این رویکرد در حسابداری می‌گذرد، دستاورد مهمی عاید نشده است. اگر رویکرد اثبات‌گرایی نتواند در عرصه پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی حسابداری ایفای نقش کرده و حتی دستاورد مهمی عاید کند، آیا جز دست یازیدن به رویکرد هنجاری‌گریزی هست؟ در رویکرد هنجاری یا دستوری، قضاوت‌های ارزشی اعمال می‌شود و به‌طور کلی در نظریه‌های تدوین‌شده بر این اساس، سخن از «بایدها و نبایدها» می‌رود.

۳-۵- اخلاق و رویکرد اخلاقی در نظریه حسابداری

با توجه به پیوند گسست‌ناپذیر اخلاق و علوم اجتماعی از یک‌سو و غایت علم حسابداری که جنبه «ایفای مسئولیت پاسخگویی» در آن در سال‌های اخیر برجسته‌تر شده است، از سوی دیگر، لزوم ملاحظه‌ای «اخلاق» در روش‌شناسی حسابداری را انکارناپذیر می‌نماید و این نکته‌ای است که از دیدگاه نظریه‌پردازان بزرگی چون هندریکسون و بلکویی مغفول نمانده است. این دو اندیشمند، در کنار سایر رویکردهای موجود برای تدوین نظریه، رویکرد اخلاقی را به‌عنوان راه‌حل ممکن برای گشودن گره در مسائل نظری به رسمیت شناخته‌اند. هندریکسون در فصل اول کتاب «تئوری

حسابداری» بیان می‌دارد که پرسش‌های اخلاقی بنیادی وجود دارند که کانون تدوین تمام نظریه‌های پیشرفته به شمار می‌آیند. رویکرد اخلاقی در نظریه حسابداری بر مفاهیم عدالت،^{۲۷} حقیقت^{۲۸} و انصاف^{۲۹} تأکید دارد و جالب است که هرکدام از این مفاهیم را می‌توان در چارچوب نظری تدوین‌شده توسط هیئت استانداردهای حسابداری مالی مشاهده کرد. ملاحظاتی نظیر پرهیز از ارائه نادرست اطلاعات و دوری از تعصب و یکسونگری در این زمره هستند (Hendriksen, 1995, p.8).

اسکات (۱۹۴۱)، عدالت را بدین معنی می‌داند که با همه گروه‌های ذینفع رفتاری برابر شود. حقیقت را به‌عنوان صورت‌های مالی دقیق و حقیقی؛ بدون اینکه علائم گمراه‌کننده مخابره کند؛ می‌داند و انصاف را به‌مثابه گزارش‌هایی می‌داند که بدون یکسونگری و تعصب باشد و در این گزارش‌ها اعمال نظر شخصی نشده باشد. به نظر نمی‌رسد کسی از پژوهشگران و نظریه‌پردازان، از نظر اصولی در پذیرش مفاهیم سه‌گانه عدالت، حقیقت و انصاف به‌عنوان ارکان تدوین نظریه حسابداری با رویکرد اخلاقی، تردید داشته باشد، بلکه آنچه گاهی محل بحث و مناقشه قرار می‌گیرد، مصادیق این مفاهیم، حوزه شمول و حدود آنها و همچنین چگونگی به کارگیری آنها در عمل است (شباهنگ، ۱۳۸۲، ص ۲۳). اشاره به یکی دو نمونه از بی‌شمار مباحث مطرح‌شده در این زمینه، می‌تواند دشواری چنین بحثی را تا حدود زیادی نمایان سازد. اولین نمونه، این پرسش دیرینه مهیب است که حقیقت چیست و تفاوت آن با واقعیت کدام است؟ و دومین نمونه، این پرسش مطرح‌شده در متون حسابداری است که نسبت به چه اشخاصی، به چه منظوری و در چه شرایطی باید انصاف ورزید؟ به دلیل وجود چنین سؤالاتی، به کارگیری رویکرد اخلاقی برای تدوین نظریه حسابداری با مشکلات مواجه است.

مضمون این پرسش‌ها هرچه باشد و به هراندازه دشواری ایجاد کند، در مقام انکار لزوم توجه به رویکرد اخلاقی در حیطه نظریه حسابداری نیست و محصول رویکرد اخلاقی، بدون تردید «نظریه‌های هنجاری» خواهد بود. شاید در حیطه علم اقتصاد، نظریه‌های اثباتی گره‌گشایی چشمگیری داشته باشد، اما حسابداری، به‌مثابه یک علم کاربردی، نیاز مبرم به نظریه‌های ارزشی دارد، نظریه‌هایی که بر پایه رویکرد اخلاقی

تدوین شده باشند، زیرا علاوه بر تفاوت‌های ماهوی اقتصاد و حسابداری، ایفای مسئولیت پاسخگویی بار عظیمی است که به منزل رساندن آن نیازمند توجه به ارزش‌ها در حیطه تفکر حسابداری است. به بیان دیگر، در حسابداری تنها با اتکاء به جنبه‌های اقتصادی آن، نمی‌توان منطقی بودن نحوه عمل حسابداری را ارزیابی کرد، بلکه لحاظ کردن جنبه‌های اخلاقی برای حصول امکان این ارزیابی ضرورت غیرقابل انکار دارد. از سوی دیگر، اهمیت مفاهیمی مانند «اعتبار» و «اعتماد» در حسابداری - به خاطر ماهیت اجتماعی آن - به حدی است که در سال ۱۹۸۷ کمیسیونی ملی^{۳۰} در آمریکا برای جلوگیری از تقلب در گزارشگری مالی، خواستار تخصیص مباحث بیشتری از علم اخلاق در برنامه‌های حسابداری دانشگاه‌ها شد و به دنبال آن، انجمن حسابداری آمریکا^{۳۱} در سال ۱۹۸۸ طرحی را بر مبنای دانش حرفه‌ای و اخلاق ایجاد کرد که شواهد موجود، جملگی از حصول پیشرفت در راستای دستیابی به هدف والای ارتقاء آموزش اخلاق در حسابداری حکایت می‌کنند.

اگر دین را مجموعه عقاید و دستورات عملی بدانیم که بنا بر ادعای آورنده و پیروان آن عقاید و دستورات (پیامبر اسلام و مسلمانان)، از سوی آفریدگار جهان می‌باشد، و اخلاق را مجموعه آموزه‌هایی که راه و رسم زندگی کردن به نحو شایسته و بایسته را ترسیم کرده، بایدها و نبایدهای ارزشی حاکم بر رفتار آدمی را می‌نمایاند، به‌خوبی به رابطه تنگاتنگ دین و اخلاق پی خواهیم برد (شیروانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸). یکی از آموزه‌های مهم اخلاقی، که دین نقش بسزایی در کارایی آن دارد، عدالت و انصاف است. دین با القای اصول اخلاقی مشترکی که سبب می‌شوند افراد دغدغه یکدیگر را داشته باشند، ساز و کارهایی را تشویق می‌کند که این دغدغه به‌وسیله آنها بیان می‌شود. به‌عنوان مثال، مؤسسات و شرکت‌هایی که هدف از تشکیل آنها ایجاد اشتغال و ایجاد درآمد برای خانواده‌های بی‌سرپرست و یا افرادی می‌باشد که به هر دلیلی از رقابت در بازار کار محروم هستند و توانایی رقابت را ندارند. در بخش بازار سرمایه نیز دین در تجهیز منابع از طریق عقود اسلامی برای سرمایه‌گذاری در امر تولید و توزیع عادلانه منابع می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید.

بنابر آنچه در باب ضرورت گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که عدم تعارض و تقابل علم و دین، تفاوت بنیادی جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی با جهان‌بینی و ارزش‌های حسابداری مرسوم، اصول و مبانی متفاوت نظام مالی اقتصاد اسلامی، توجه به هنجار از یک سو و تأکید بر اخلاق از سوی دیگر در راستای رفع نقص و تکمیل نظریه‌های گزارشگری مالی، ضرورت بازننگری و تدوین چارچوب نظری با رویکردی اسلامی؛ به‌مثابه قانون پایه گزارشگری مالی اسلامی، را می‌طلبد تا بتوان زمینه جذب اعتماد سرمایه‌گذاران مسلمان و جامعه اسلامی را فراهم آورد.

۴- الگوی تحقیق و نتایج آن

به‌منظور دستیابی به هدف اصلی تحقیق حاضر که تبیین ضرورت مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی می‌باشد، مراحل زیر طراحی و اجرا گردید. مرحله اول: در این مرحله به شرح آنچه در بخش سوم گذشت، تحقیقات انجام‌شده در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی مورد نیاز جامعه اسلامی و سایر مباحث نظری مناسب با ویژگی‌های محیطی این جامعه مورد مطالعه قرار گرفت تا بر اساس آن، تفسیر و استدلال ضرورت رویکرد اسلامی در جوامع اسلامی صورت گیرد. مرحله دوم: بهره‌گیری از روش دلفی و نظرخواهی تخصصی از افراد خبره و صاحب‌نظر در حوزه گزارشگری مالی از طریق پرسشنامه تنظیمی و تجزیه و تحلیل نتایج حاصله که دستیابی به اجماع عمومی را در خصوص ضرورت مفاهیم نظری گزارشگری مالی برای کشورهای اسلامی به‌خصوص ایران میسر نموده است.

دلفی، یک روش منظم و تکرارپذیر برای سیاست‌گذاری، خط مشی و پیش‌بینی آینده است که بر اساس ورودی‌های مستقل از سوی گروهی از کارشناسان و خبرگان عمل می‌کند و هدف این روش جمع‌بندی عقاید گروه کارشناسان و متخصصین در رابطه با سیاست‌گذاری، خط مشی و پیش‌بینی وقایع موردنظر در آینده و رسیدن به یک اتفاق نظر جمعی است. در تحقیق به شیوه دلفی، نمونه مورد مطالعه باید به نحوی انتخاب شود تا افراد متخصص و خبره در موضوع تحقیق، موسوم به اعضای گروه دلفی

به‌عنوان نمایندگان جامعه مورد نظر در نظرسنجی نقشی اساسی ایفا نمایند. به همین جهت روش‌های نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب این افراد مناسب نمی‌باشد، بلکه در این قبیل پژوهش‌ها اشخاص صاحب‌نظر از طریق بررسی دانش و تجربیاتی که دارند انتخاب می‌شوند (طیبی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۸۰). با توجه به ویژگی‌های مذکور، نسبت به مطالعه و انتخاب ۱۲۰ نفر از متخصصین و خبرگان واجد شرایط اقدام گردید که شامل گروه‌های زیر و به شرح جدول ۳ می‌باشد:

۱. اعضای هیأت علمی گروه‌های حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌ها با تأکید و تمرکز بر دانشگاه‌های تهران شامل دانشگاه‌های آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، تهران، علامه طباطبایی، امام صادق(ع)، تربیت مدرس، الزهراء، شهید بهشتی و علوم اقتصادی، در انتخاب این اعضا معیارهای اساسی نظیر دارا بودن درجه دکترا در یکی از رشته‌های حسابداری و مدیریت مالی، سابقه تدریس در دروس تخصصی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا با اولویت دادن به دروس نظریه و مباحث نظری مربوط به گزارشگری مالی مورد توجه ویژه قرار گرفتند.

۲. اعضای کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، کمیته آموزش و تحقیقات، کمیته فنی و هیئت عامل سازمان حسابرسی و همچنین مشاوران و مدیران باسابقه این سازمان به‌عنوان افرادی که در تدوین و انتشار اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی متخصص و صاحب‌نظر می‌باشند.

۳. حسابداران رسمی شاغل به لحاظ آشنایی با گزارشگری مالی، از آنجاکه فعالیت در تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، بررسی و قضاوت در خصوص کیفیت و اعتبار صورت‌های مالی دارند از جمله افراد خبره‌ای هستند که می‌توان برای رسیدن به اجماع، از آراء و نظرات این گروه استفاده قابل اتکایی به عمل آورد.

۴. حسابداران رسمی غیرشاغل که علاوه بر دارا بودن تخصص لازم در باب قضاوت کیفیت و اعتبار صورت‌های مالی به دلیل مناصب مدیریتی و اجرایی خود با تهیه و ارائه گزارشگری مالی و مسائل مرتبط آن هم سروکار دارند، به‌عنوان چهارمین گروه متخصص از اعضای گروه دلفی می‌باشند.

داده‌های این مطالعه در مرحله دوم از طریق توزیع پرسشنامه بین خبرگان جمع‌آوری گردید و در تهیه، اصلاح و تأیید به‌منظور روایی پرسشنامه، از نظرات بیش از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران امر استفاده شد. به‌منظور بررسی پایایی پرسشنامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتیجه آزمون با ۰/۹۴/حاکمی از پایایی بالای پرسشنامه بوده است.

جدول ۳. گروه‌های خبرگان

گروه	شرح	تعداد (نفر)
اول	اعضای هیأت علمی گروه‌های حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌ها	۴۰
دوم	مدیران و مشاوران ارشد سازمان حسابرسی	۲۰
سوم	حسابداران رسمی شاغل	۳۰
سوم	حسابداران رسمی غیرشاغل	۳۰
	جمع	۱۲۰

در آزمون‌های آماری، باید به نحوی عمل می‌شد که تأیید یا رد سؤالات، شدت موافقت یا مخالفت، اجماع یا عدم اجماع در خصوص موضوع و در نهایت، همسان بودن نظرات راجع به موضوعات در بین گروه‌های مختلف یا وجود اختلاف معنی‌دار در بین آنها روشن می‌شد. بدین منظور و برای دستیابی به این اهداف، پرسش‌های مربوط به هر سؤال دسته‌بندی و آزمون‌های زیر در مورد آنها طراحی و اجرا گردید.

۱. آزمون دوجمله‌ای برای حصول اطمینان از نظر موافق یا مخالف خبرگان در مورد هر یک از پرسش‌های زیرمجموعه سؤال اصلی تحقیق.

۲. آزمون T یک نمونه‌ای، به تفکیک نظرات موافق و مخالف، برای آگاهی از شدت موافقت یا مخالفت خبرگان با موضوع مطروحه در هر پرسش.

۳. آزمون کولموگروف^۰ اسمیرنوف یک نمونه‌ای به تفکیک نظرات موافق و مخالف، برای تشخیص وجود یا عدم وجود اجماع در بین خبرگان هر گروه راجع به موضوع مطروحه در هر پرسش.

۴. آزمون کروسکال-والیس به تفکیک نظرات موافق و مخالف، برای تشخیص همسان بودن یا نبودن پاسخ‌های خبرگان بین چهارگانه راجع به هر پرسش.

خلاصه نتایج آزمون‌های فوق‌الذکر در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه نتایج آزمون‌های آماری

شماره پرسش	سؤال اصلی	تأیید یا رد سؤال		شدت موافقت یا مخالفت		اجماع یا عدم اجماع	همسان بودن پاسخ‌ها
		آزمون دو جمله‌ای	آزمون T	میزان موافقت یا مخالفت	میزان موافقت یا مخالفت		
	تحقیق	آزمون دو جمله‌ای	آزمون T $T > 1.64$	میزان موافقت یا مخالفت	میزان موافقت یا مخالفت	آزمون کولموگروف - اسمیرنوف یک نمونه‌ای	آزمون کروسکال - والیس
۱	متفاوت بودن	موافقت	15.775	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۲	اصول اقتصادی -	موافقت	19.943	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۳	اجتماعی واحد	موافقت	17.067	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۴	تجاری اسلامی از	موافقت	19.529	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۵	واحد تجاری	موافقت	15.987	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۶	غیراسلامی	موافقت	14.109	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۷	مناسب نبودن	موافقت	9.368	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۸	گزارشگری مالی	موافقت	8.177	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۹	مرسوم برای	موافقت	6.447	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۱۰	واحدهای تجاری	موافقت	12.554	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۱۱	اسلامی و	موافقت	13.576	موافقت	موافقت	اجماع	بلی
۱۲	استفاده‌کنندگان	موافقت	22.281	موافقت	موافقت	اجماع	بلی

بر اساس نتایج حاصل از آزمون‌های آماری انجام‌شده، یافته‌های تحقیق بیانگر این واقعیت است که خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای گزارشگری مالی در ایران، درباره موارد مشروحه زیر اتفاق نظر و اعتقاد دارند که:

۱- اصول اقتصادی - اجتماعی واحدهای تجاری اسلامی از واحدهای تجاری اقتصادی سرمایه‌داری متفاوت است.

۲- گزارشگری مالی مرسوم در کشور اسلامی ایران، از قابلیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای ذینفعان مسلمان جهت اطمینان بخشیدن و قادر ساختن ایشان به ارزیابی تطبیق فعالیت‌های واحد تجاری اسلامی و رعایت الزامات و دستورالعمل‌های شریعت، برخوردار نیست.

بنابراین، یافته‌های مرحله اول تحقیق یعنی تفسیر و استدلال ضرورت مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی در گام دوم در معرض نظر گروه خبرگان نظری و تجربی قرار گرفت و ضرورت ارائه و بازتعریف مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی و مختص جوامع و کشورهای اسلامی، به‌طور خاص ایران، با اتفاق نظر و اجماع خبرگان مورد تأیید قرار گرفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری مؤثر و منطبق با شریعت اسلام از اهداف سرمایه‌گذاران مسلمان و جامعه اسلامی می‌باشد. لذا جهت ترغیب افراد به سرمایه‌گذاری، لازم است تا زمینه جذب اعتماد ایشان در خصوص رعایت و انطباق عملکرد واحد اقتصادی با شریعت اسلام فراهم‌آید. یکی از شرایط لازم برای ایجاد این اعتماد وجود اطلاعاتی است که سرمایه‌گذاران را از توانایی واحد اقتصادی برای رسیدن به اهداف آنها، مطمئن می‌کند. مهم‌ترین منابع این‌گونه اطلاعات، گزارش‌های مالی اسلامی است که طبق استانداردهای قابل اجرا تهیه شود. جهت تدوین چنین استانداردهایی تعریف و تدوین مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی، اجتناب‌ناپذیر است.

جهان‌بینی، اصول، اهداف و ارزش‌های جامعه اسلامی از جامعه غربی متفاوت است. حسابداری آنگلو-امریکن بر پایه جهان‌بینی فلسفی عقلانیت اقتصادی است که شامل مبانی فردگرایی، نفع شخصی، بقای شایسته‌ترین و حداکثرسازی سود است درحالی‌که جهان‌بینی اسلامی بر مبنای یگانگی خداوند و دربرگیرنده اصول منافع اجتماعی، انصاف (برابری) و سود منطقی است. تجدید حیات مذهب و به‌طور خاص مذهب اسلام در کشورهای مسلمان ارزش‌های اقتصادی اجتماعی سرمایه‌داری غربی را زیر سؤال برده و تلاش می‌نماید تا نظام اقتصادی اجتماعی اسلامی را هم‌راستا با جهان‌بینی خود معرفی نماید. این نظام اقتصاد اسلامی دارای اصولی متمایز از جمله؛ حرام بودن ربا، پول به‌عنوان سرمایه بالقوه، ممنوعیت بخشی از بورس‌بازی، اصل ایفای تعهدات و ممنوعیت فعالیت‌های نامشروع، در درون خود نیاز به عنصری به نام نظام گزارشگری مالی اسلامی دارد که وظیفه تهیه و ارائه اطلاعات مالی مناسب

استفاده‌کنندگان را بر عهده دارد. جهت استقرار نظام مذکور نیاز به تعیین مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی می‌باشد که بتواند ماهیت، نحوه عمل و حدود گزارشگری مالی را مشخص کند. چنین مجموعه‌ای همانند یک چارچوب نظری، در تدوین استانداردهای حسابداری مطابق شریعت اسلام و حل و فصل مسائلی که ممکن است در این راه پیش آید، ملاک عمل قرار خواهد گرفت.

نظریه‌های اقتصادی، محور و پایه چارچوب نظری گزارشگری مالی مرسوم است و این چارچوب به‌طور کامل بر نقش اجتماعی حسابداری صحنه نمی‌گذارد و صرفاً بر جنبه‌های اقتصادی آن تأکید نموده است تا حدی که تعهد گزارشگری مالی را از سطح پاسخگویی به جامعه، به سطح حساب‌دهی به منافع واحد تجاری تقلیل داده است. اگر هدف غایی حسابداری را تنها ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری تلقی نکنیم و ایفای مسئولیت خطیر پاسخگویی را نیز به‌عنوان هدفی اساسی برای حسابداری بدانیم - که چنین می‌دانیم - تکیه بر نظریه‌های اثباتی در روش‌شناسی حسابداری که بیشتر، به ارائه تصویری صرف از آنچه هست و با سلاح تجربه قابل دیدن است، می‌پردازند، برای گام برداشتن در حیطه دانش حسابداری به‌عنوان شاخه‌ای از علوم اجتماعی که اساساً بر حسب غایت آن تعریف می‌شود نه بر اساس موضوع، کفایت نخواهد کرد. در این راستا، توجه به «هنجار» از یک سو و تأکید بر «اخلاق» از سوی دیگر، ضرورت دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان غفلت از این مفاهیم را به‌منزله فرو غلتیدن حسابداری در ورطه بحران قلمداد کرد. از طرفی، اگر دین را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و جنبه‌های اخلاقی که از طریق پیامبران از سوی خدا نازل شده است، بدانیم، با تغذیه از منابع سرشار دینی، به‌ویژه دین مبین اسلام به‌عنوان خاتم و اکمل ادیان الهی، می‌توان توجه به ارزش و هنجار را برای برون‌رفت از بحران تجویز کرد و بدین ترتیب ضرورت رویکرد اسلامی در حسابداری و گزارشگری مالی را بیش‌ازپیش روشن‌تر ساخت.

ضرورت ارائه و تدوین مفاهیم نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی با اتفاق نظر و اجماع خبرگان نظری و حرفه‌ای ایران مورد تأیید قرار گرفت که این نتایج با نتایج تحقیقات خان (۱۹۹۴)، ملیاه سلیمان (۱۹۹۷)، شادیه رحمان (۱۹۹۹)، ناپیر

(۲۰۰۹) مبنی بر تفاوت اصول اقتصاد اسلامی با اقتصاد غربی و تفاوت نیازهای اطلاعاتی یک جامعه اسلامی با نیازهای اطلاعاتی جامعه سرمایه‌داری، مطابقت دارد. با توجه به نتایج تحقیق به مراجع قانونی و حرفه‌ای مسئول تدوین مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی کشور به‌ویژه سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی کشور، پیشنهاد می‌گردد نسبت به بررسی جامع و تدوین چارچوب نظری و استانداردهای گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی اقدام نمایند. همچنین یافته‌های این مطالعه می‌توانند مبنای مطالعات و پژوهش‌های بعدی جهت ارتقای حوزه حسابداری و گزارشگری مالی اسلامی قرار گیرند. بر این اساس موضوعات زیر را می‌توان برای تحقیقات آتی پیشنهاد نمود تا مورد توجه و مذاقه اساتید و دانشجویان قرار گیرند:

- ۱) انجام مطالعات تطبیقی برای مقایسه وضعیت موجود نظام حسابداری و گزارشگری مالی کشور با سایر جوامع اسلامی.
- ۲) انجام مطالعات بنیادی در خصوص نقش و غایت حسابداری و توسعه مفاهیم نظری حسابداری و گزارشگری مالی با توجه به بحران‌ها و چالش‌های موجود در حسابداری و گزارشگری مالی.
- ۳) بررسی کفایت صورت‌های مالی موجود از نظر تطبیق با ابزارهای مالی اسلامی مانند انواع صکوک استصناع، اجاره و غیره.

یادداشت

۱. در این تحقیق گزارشگری مالی معادل حسابداری (مالی) در نظر گرفته شده است.

2. Financial Accounting Standard Board
3. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions
4. <http://www.aaofii.com/aaofii/default.aspx>
5. Values
6. Norms
7. Individualism
8. Rhine Model of Capitalism
9. Materialism
10. Democracy

11. Utilitarianism
12. Secularism
13. Miller and O Leary

۱۴ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (السجده: ۴)

۱۵ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (البقره: ۳۰)

۱۶. ذکر این نکته ضروری است که بیان همه مراحل استنتاجی تفاوت اصول و مبانی نظام مالی اقتصاد اسلامی در این مقاله نمی‌گنجد. پیشنهاد می‌گردد به منابع مرتبط معرفی شده در انتهای مقاله مراجعه شود.

17. Positive Methodology
18. Normative Methodology
19. Emile Durkheim
20. Ijiri
21. Mattessich
22. Critique of Accounting
- 23 Christenson
24. Watts
25. Zimmerman
26. Brown
27. Justice
28. Truth
29. Fairness
30. National Commission on Fraudulent Financial Reporting
31. American Accounting Association (AAA)

کتابنامه

قرآن مجید

تقفی، علی و حجت‌الله صیدی (۱۳۸۲). «تئوری‌های هنجاری، پلی بین واقعیت و غایت حسابداری»، مطالعات حسابداری. شماره ۲.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: نشر اسراء.

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۴)، درس‌هایی در فلسفه علم/اجتماع، تهران: نشر نی.

- شباهنگ، رضا (۱۳۸۴)، *تئوری‌های حسابداری*. تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، چاپ چهارم.
- شیروانی، علی. (۱۳۷۸). «ساختار کلی اخلاق اسلامی»، *قبسات*، شماره ۱۳، ص ۳۸.
- صیدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، ارائه مدلی برای گزارشگری مالی بازار سرمایه کشورهای اسلامی، پایان‌نامه دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- طیبی، سید جمال‌الدین، محمدرضا ملکی و بهرام دلگشایی (۱۳۸۸)، پایان‌نامه، رساله، پروژه پژوهشی و مقاله علمی. تهران: انتشارات فردوس.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، «درآمدی بر معرفی ارکان و هسته اقتصاد اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*. شماره اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *مجموعه آثار (۲)*. تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
- نجفی، ابراهیم (۱۳۹۱)، *دکترین حسابداری جمهوری اسلامی ایران*، تهران: اندیشکده یقین.
- واعظی، احمد (۱۳۸۷)، «علم دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۵۴.
- AAOIFI (2010), *Accounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions*, Manama: AAOIFI Publication.
- Abdel-Magid, M. F. (1981). The Theory of Islamic Banking: Accounting Implications . *International Journal of Accounting*, Vol. 17, No. 1, pp. 79-102.
- Alexander, D. and Britton, A. (1999). *Financial Reporting*. London: International Thomson Business Press.
- Al-Hashim D. and J. Arpan (1992). *International Dimensions of Accounting*. 3rd edition. PWS-Kent Publishing Co.
- Christenson, C. (1983). The Methodology Of Positive Accounting ,*The Accounting Review*,p.1-22.
- Gambling, T. and Karim R. (1991). *Business and Accounting Ethics in Islam*. London: Mansell Publishing Limited.
- Gray, RH, Owen D, and Maunders K. (1988), *Corporate Social Reporting: Emerging Trends in Accountability and the Social Contract*, *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 1, No.1, pp.6-16.

- Hameed, S. (2000). The Need for Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysia Accountants and Academics. Ph.D. Thesis. University of Dundee.
- Hameed, S., Craig, R. and Clarke, F. (1993). Religion: A Confounding Cultural Element in the International Harmonization of Accounting. *Abacus*, Vol. 29, No. 2, pp. 131-148.
- Hofstede, G. (1978). The Poverty of Management Control Philosophy , *Academy of Management Review*, pp450-461.
- Hopwood, A.G. (1987). Accounting and Gender: An Introduction , *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 12, No. 1 pp65-9.
- Ijiri, Y. (1983). On The Accountability-Based Conceptual Framework. *Journal of Accounting and Public Policy*, Elsevier Publishing Co. Inc.
- International Accounting Standard Board (IASB), (2013). A Review of Conceptual Framework for Financial Reporting. Discussion Paper (July, 2013).
- Kamali, M.H. (2000). Islamic commercial law ,Cambridge: The Islamic Texts society.
- Khan, M.A. (1994). Accounting Issues and Concepts for Islamic Banking. Ins.
- Lewis, M. (2001). Islam and Accounting *Accounting Forum*, Vol. 25, No. 2, pp. 103-127.
- Mattessich, Richard, (1995). Critique Of Accounting.USA. Quorum Books.
- Miller, P. and T. O Leary (1987), Accounting and the Construction of the Governable Person , *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 12, No. 3, 235-265.
- Napier, C. (2009). Defining of Islamic Accounting: Current Issues and Past Roots , *Accounting History*, Feb-May 2009; 14, 1/2; *Accounting & Tax Periodicals*, PP121.
- Perera, MHB (1989). Towards a framework to analyze the impact of culture on Accounting *The International Journal of Accounting*, Vol. 24, 1989, pp42-56.
- Scott, (1941). The Basis for Accounting Principles ,*The Accounting Review*, Dec.1941.

- Sulaiman, M., 1997, Testing a Theory of Islamic Corporate Reporting: The Case of Malaysia, PH.D. Thesis, University of Otago.
- Sulaiman, M., (2001), Testing a Model of Islamic Corporate Financial Reports:some experimental Evidence, IIUM, Journal of Economics and Management, q(2).
- Wallace, R.S.O. (1990). Accounting in Developing Countries in RSO Wallace,John M Samuels and Richard J. Briston (eds), *Research in Third World Accounting*, vol 1. 1990, JAI Press Ltd. London 1990

